

## بررسی فضای تقیه در دوره غیبت صغرا و نشانه‌های آن بر عملکرد امامیه

مجدد احمدی کچایی<sup>۱</sup>

مهدی حمیدی نژاد<sup>۲</sup>

### چکیده

بررسی فضای دوره غیبت صغرا، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که امامیه در آن دوره در عرصه‌های گوناگون اجتماعی جنب و جوش فراوانی داشته است. به نظر می‌رسد با وجود نظریه‌های گوناگون در چرایی چنین مواجهه‌ای، «تقیه» به عنوان نظریه مختار، بر روش عملگرایانه آن دوره امامیه بیش‌ترین دلالت را داشته است؛ به طوری که شبکه و کالت به عنوان نهادی از پیش طراحی شده، سازوکار خویش را بر پایه پنهان کاری شدید استوار ساخت و لذا نه تنها مکان حضور امام برای امامیه فاش نشد، بلکه نام امام نیز آشکار نگردید. همچنین منابع حدیثی امامیه و گمانه‌های کلامی ایشان تا اندازه قابل توجهی از شرایط پدید آمده متأثر بوده است. این جستار بعد از بررسی نظریه‌های موجود در این زمینه، سعی داشته است دیدگاه مختار را در لابه لای متون تاریخی - حدیثی معرفی کند.  
واژگان کلیدی: امام دوازدهم علیه السلام، امامیه، تقیه، غیبت صغرا.

---

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن دانشگاه معارف اسلامی. majid.ahmadi.313@gmail.com  
۲. دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت. amidinejadmahdi@gmail.com

غیبت صغرا را می‌توان با انگاره‌های ناهمگون خویش، یکی از دشوارترین ادوار تاریخ شیعیان امامی از ابتدایی تاریخ اسلام تا آن دوره دانست؛ دوره‌ای که به هر دلیل پدیده غیبت برای امام ایشان حاصل گشت. این دیدگاه از آن جهت اهمیت به سزایی دارد که در آن دوره، «امامیه» در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، علمی، و اقتصادی، به سامان نبوده است. پیش از آغاز غیبت، امامیه، همواره از طرف حاکمان عباسی تحت فشار قرار گرفته و اندک فعالیت امامیه، بازتاب گسترده‌ای به همراه داشت؛ به طوری که حبس و قتل برخی از امامیه را می‌توان از نمونه‌های عملکرد حاکمان عباسی در این خصوص شمرد. این، در حالی بود که عملکرد ستیزه‌جویانه خلافت عباسی در دوره غیبت همچنان پی‌جویی شد. همچنین در آستانه غیبت صغرا، اندیشمندان اهل سنت به جمع‌آوری مجامع روایی روی آوردند و کتاب‌های دیگر از ایشان نیز در دوره غیبت صغرا در حال تدوین بود.

از دگر سوی، امامیه تا پیش از آغاز غیبت به دلیل حضور امام، به منابع مکتوب کم‌تر توجه داشته و به تدوین کتاب‌های خویش توجه جدی نداشته است. این احساس بی‌نیازی در آن دوره به تدریج از میان رفت و این احتمال داده شد که با غیبت امام این امکان وجود دارد که میراث ایشان نیز دستخوش تحریف قرار گیرد. در این جستار، سعی شده است به بررسی فضای تقیه و نشانه‌های آن بر عملکرد امامی مذهب‌ان پرداخته شود. شایسته بیان است که در این زمینه، اثر مستقلی نمی‌توان معرفی کرد و تنها نگارنده طی دو مقاله به بخش‌هایی از این پدیده توجه داشته که در ضمن برخی از مطالب مشترک بدان‌ها اشاره خواهد شد.

### بررسی فضای تقیه در دوره غیبت صغرا

در ابتدا باید ذکر شود که چرا امامیه توجه آشکاری به پدیده‌های آن دوره داشته؛ در صورتی که چنین توجه‌ای پیش از این و تا این اندازه گسترده نبوده است. در این باره گمانه‌هایی چند به ذهن می‌رسد. این احتمال دور از ذهن نیست که عملکرد امامیه در آن دوره محصول زمانه خویش بوده است. این امر می‌توانسته به سبب شرایط پدید آمده در آن

دوره باشد؛ به طوری که بالندگی تمدن اسلامی سبب شد تا جمع آوری روایات شیعه و سنی صورت گیرد و با توجه به این که اندیشمندان اهل سنت در این خصوص بر امامیه پیشی گرفتند؛ امامیه متأثر از ایشان، به جمع آوری کتاب‌های روایی خویش روی آورد. فعالیت‌های اندیشمندان اهل سنت در این دوره، درخور توجه می‌باشد؛ به طوری که صحاح سته<sup>۱</sup> در سده سوم ه.ق به رشته تحریر در می‌آید. علاوه بر آن، کتاب‌های مهم دیگری در زمینه تفسیر و تاریخ به رشته تحریر درآمد. بنابراین، در چنین فضایی، امامیه نیز در صدد گردآوری کتاب‌های روایی خویش برآمد، در نتیجه نمی‌بایست گمانه تقیه را در فضا و عملکرد امامیه بیش از دوره حضور دانست.

گمانه دیگر آن است که اندیشمندان امامی در آن دوره توجه و ارتباط چندانی به وکلا نداشته‌اند؛ به طوری که واکاوی و جست‌وجو در آثار دوره غیبت صغرا حاکی از آن است که منابع نگاشته شده در آن زمان کم‌ترین توجه را به شبکه وکالت داشته‌اند. برخی از خاورشناسان بر این باورند گزارشی از امامان شیعه وجود ندارد که ایشان شخصی را به عنوان نماینده (وکیل) خویش در دوره غیبت معرفی کرده باشند. بنابراین، شبکه وکالت مورد تأیید ولایات مختلف، از جمله قم و بغداد نبوده است (نیومن، ۱۳۸۶: ۳۷۷). این امر می‌توانسته به طور عمده از اختلاف فکری دو مکتب قم و بغداد متأثر باشد و اندیشمندان نقل‌گرای قم بیش و کم به وکلا و شبکه وکالت توجه داشته؛ در صورتی که عالمان امامی بغداد چنین نمی‌اندیشیدند. شاید به همین دلیل باشد که حسین بن روح نوبختی، وکیل سوم امام دوازدهم، با آن که در بغداد زندگی می‌کرده، کتاب «التکلیف» شلمغانی را برای بازبینی نزد عالمان قم می‌فرستد (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۷۷) و در این باره از عالمان بغدادی کمک نمی‌طلبد. در هر صورت، وجود فضای پدید آمده در دوره غیبت صغرا و با اختلاف دو مکتب قم و بغداد سبب جمع آوری روایات شیعه و طرح برخی از بحث‌های شبه تقیه شده؛ در نتیجه گمانه تقیه نمی‌تواند عنصر اصلی در عملکرد امامی مذهبیان در آن دوره باشد.<sup>۲</sup>

۱. شش کتاب صحیح در باور اهل سنت.

۲. برای مطالعه بیشتر تر.ک: احمدی کچایی و صفری فروشانی: «چگونگی طرح وکلا در منابع امامی»

نگارنده بر این باور است که نمی‌توان شرایط اجتماعی آن دوره را در تدوین مجامع روایی بی‌تأثیر دانست و چه بسا بالندگی تمدنی بر نگارش و تدوین برخی از کتاب‌های نگارش یافته شیعه و سنی، تأثیر داشته؛ در عین حال، پدیده‌های دیگری در دوره غیبت صغرا برای امامیه به وجود آمد که مخصوص ایشان بوده و نمی‌توان آن را نتیجه تمدنی دانست. به نظر می‌رسد چنین توجه گسترده‌ای از سوی امامیه به جمع‌آوری روایات و دیگر گمانه‌ها به طور عمده از گزارش‌های مبنی بر غیبت امام دوازدهم علیه السلام متأثر بوده که اندیشمندان امامیه دریافت کرده بودند. در این روایات تأکید شده بود که در دوره غیبت دسترسی به امام به آسانی ممکن نخواهد بود. بنابراین، این احتمال داده می‌شد که با نبود امام، ثرات ایشان به‌زودی تحت تأثیر غیبت، دستخوش تحریف قرار خواهد گرفت. به نظر می‌رسد از میان رفتن ثرات امامیه در دوره‌ای که امام حضور آشکار نداشته، می‌توانست برای جمع‌آوری روایات انگیزه مناسبی باشد؛ چراکه عدم حضور خود امام می‌توانست بر سردرگمی‌ها بیفزاید؛ به طوری که توده امامیه نمی‌دانست بدون امام و از انبوه روایات شفاهی و بعضاً متناقض چگونه احکام خویش را به دست آورد؛ امری که به تأکید برخی از محدثان آن دوره سبب جمع‌آوری روایات توسط ایشان شد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۴).

در همین جهت می‌بایست غیبت امام دوازدهم را پیرو پنهان‌کاری، یا همان تقیه دانست. بررسی فضای سیاسی عصر غیبت صغرا و سه دهه قبل از آن نشان می‌دهد که خلفای بنی‌عباس به شدت علیه امامان شیعی فعالیت می‌کردند. با روی کار آمدن متوکل عباسی اوضاع برای شیعیان دشوار شد؛ به طوری که وی از طرفی با حبس امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام سبب کاهش روابط شیعیان با امام خویش شد.<sup>۱</sup> از طرف دیگر، با برخی از وکلای امام هادی علیه السلام برخورد کرد. چنان‌که نقل شده است، او وکلایی همچون علی بن جعفر

.....→

دوره غیبت صغرا».

۱. چه بسا عمر کوتاه این دو امام بزرگوار و امام نهم معلول دسیسه‌های مخفیانه حاکمیت عباسی بوده است.

همانی را دستگیر کرد و حتی وساطت وزیرش، عبیدالله بن یحیی بن خاقان را نپذیرفت (کشی، ۱۳۴۸: ۶۰۷). متوکل در اقدامی دیگر چند تن دیگر از وکلا را دستگیر کرد و در زندان به قتل رساند (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۱۰).

به نظر می‌رسد شدت عمل عباسیان با روی کار آمدن حکومت زیدی علویان در سال ۲۵۰ ه.ق تشدید شد. این افراد آشکارا گرایش‌های شیعی (زیدی) داشتند و از حاکمیت عباسی خارج شده و آن را به رسمیت نمی‌شناختند (طبری، ۱۳۵۸، ج ۳: ۱۸۵۷ و جاسم حسین، ۱۳۶۷: ۱۷۶). در نتیجه، همه این عوامل سبب شدند هنگامه تولد امام دوازدهم علیه السلام با حساسیت‌های زیادی مواجه شود. بنابراین، قابل تصور بود که تولد امام در پنهانی صورت پذیرد (مفید، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۷۴). همچنین وجود روایاتی در خصوص تولد پنهانی امام دوازدهم علیه السلام (نعمانی، ۱۳۹۰: ۲۶۳) و کنترل شدید خانه امام عسکری علیه السلام (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۹۱)، در بردارنده این نکته است که حاکمان عباسی طرح قتل امام دوازدهم علیه السلام را قبل از تولد ایشان، در دستور کار داشتند؛ چنان‌که خانه امام عسکری علیه السلام برای جست‌وجوی فرزندی از ایشان بارها مورد بازرسی قرار گرفت (همان: ۳۹۱). برخی از محققان بر این باورند که چنین حساسیت شدیدی از طرف دستگاه خلافت همراه با تحریکات جعفر بدان سبب بود تا گذشته از کنترل امام دوازدهم علیه السلام، در صورت عدم دسترسی به آن حضرت، دست کم بتوانند اعلام کنند که امام یازدهم علیه السلام فرزندی نداشته است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۵۶۹).

با توجه به همه این عوامل، امام عسکری علیه السلام سعی زیادی داشت تا تولد امام عصر، دور از محدودیت‌های عباسیان آشکار نشود، و همچنین با وجود امام عصر علیه السلام در بیت امام عسکری علیه السلام و آمد و شدهایی که در بیت صورت می‌گرفت، احتمال آشکار شدن تولد ایشان داده می‌شد. بنابراین، امام یازدهم علیه السلام، فرزندش را از سامرا به مدینه منتقل کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۰).

در هر صورت، پدیده استثنایی غیبت را می‌توان محصول چنین منازعاتی در تاریخ آن دوره دانست. ستیزه‌جویی عباسیان در دوره غیبت، همچنان با شتاب علیه امامیه ادامه داشت؛ به طوری که نقل شده عبیدالله بن سلیمان وزیر، قصد داشت وکلا را دستگیر کند؛ اما خلیفه

عباسی به او فهماند که باید مخفی‌گاه امامشان را کشف کند. به همین جهت باید افراد ناشناسی را برای پرداخت وجوهات نزد وکلا بفرستی و هر کدام از وکلا که اموال را دریافت کرد، وی را دستگیر کنی! بنابراین، توقیعی صادر شد که هیچ یک از وکلا تا اطلاع بعدی وجوهاتی دریافت نکنند و آن را رد و خود را در این زمینه بی‌اطلاع معرفی کند (کلینی ۱۴۱۸: ۵۹۹).

همچنین در برخی از گزارش‌ها چنین آمده است که معتضد، خلیفه عباسی جایگاه امام عصر علیه السلام را کشف کرد و به سه نفر دستور داد که به خانه پدر امام یورش برده و هر که را یافتند، به قتل برسانند (طوسی ۱۴۱۲: ۴۴۲؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۶۷ و جاسم حسین، ۱۳۶۷: ۱۸۱). این خبر و موارد مشابه گویای شدت حکومت و پیگیری جدی عباسیان برای دستیابی به امام بوده است. لذا آن‌ها مکان و زمان حضور حضرت را مدت‌ها پس از آغاز غیبت کشف کرده بودند. تحلیل برخی از محققان آن است که به علت شکنجه‌های معتضد و مکتفی و سختگیری‌های آنان بر امامیه بین سال‌های ۲۷۸ تا ۲۹۵ ه.ق؛ امام علیه السلام مقرر خود را از سامرا به حجاز تغییر داد (طوسی ۱۳۸۷: ۴۲۲).

در این شرایط بزرگان امامی، غیر از استفاده از پوشش تقیه چاره‌ای نداشتند. بر این اساس، دوره غیبت صغرا بر امامی مذهب‌بان بسیار دشوار آمد. در عین حال، دستاوردهای مهمی در عرصه‌های فرهنگی و علمی داشته که به نظر می‌رسد بسآمد کار بست تقیه و پنهان کاری امامی مذهب‌بان بوده است. از جمله گروه‌های امامی مذهب که از پوشش تقیه فراوان سود جست، «شبهه وکلا» بوده است که به آن اشاره می‌شود:

#### بررسی نشانه‌های تقیه در شبکه وکالت

با تشکیل نهاد وکالت در نیمه سده دوم ه.ق از سوی امامان شیعه به منظور ساماندهی شیعیان در امور مختلف؛ تشکیلات کارآمدی پدید آمد که توانست نیروی درونی شیعیان را متمرکز و عملاً به عنوان بازوی قدرتمند در مقابل حاکمیت قرار گیرد. به درستی آشکار نیست که شبکه وکالت از چه زمانی شکل یافت؛ گرچه برخی بر این باورند در زمان امام صادق علیه السلام

شکل گرفت (حسین جاسم، ۱۳۶۷: ۱۳۴). گزارش شیخ طوسی نیز این گمانه را قوت بخشیده است (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۰۳).

در علت شکل گیری چنین نهادی باید دانست که علاوه بر سختگیری‌های عباسیان بر شیعیان، عدم دسترسی ایشان به امام خود به واسطه حبس، شهادت و یا غیبت در شکل گیری آن موثر بوده است. از جمله امام کاظم علیه السلام مدت قابل ملاحظه‌ای در زندان به سر برد (مفید، ۱۳۸۹: ۳۰۵).

نهاد وکالت در برخورد با جریان انحرافی قدرتمندی همچون واقفه، یونس بن عبدالرحمان وکیل شایسته امام کاظم علیه السلام بر پذیرش امامت امام هشتم علیه السلام در میان شیعیان نقش تأثیرگذاری داشته است (طوسی، ۱۴۱۲: ۴۳). به نظر می‌رسد خلافت عباسی به این باور رسیده بود که بدون آن که امامان شیعی را به زندان ببرد - که این امر هزینه روانی زیادی را برای عباسیان داشته - ایشان را ناآشکار زیر نظر بگیرد. بنابراین، امام رضا علیه السلام را از مدینه به طوس نقل مکان دادند، و این سیاست درباره امامان نهم و دهم علیه السلام ادامه یافت (مفید، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۰۷ - ۴۳۸). این، در حالی بود که هجرت امام سبب مشکلات فراوانی برای شیعیان می‌شده و لذا تنها شبکه وکالت می‌توانسته پیوستگی میان امام و پیروانش را فراهم کند.

شبکه وکالت پس از شهادت امام هشتم علیه السلام و در پی این سؤال که آیا امامت فرزند خردسال ایشان ممکن است یا خیر؛ مجدداً نقش قدرتمند خویش را در گسترش مفهوم امامت در هر سنی نشان داد (مسعودی، ۱۹۵۵: ۲۱۲) و نقش آن نهاد، به‌خصوص پس از شهادت امام عسکری علیه السلام بسیار پررنگ شد؛ به طوری که وکلای آن دوره در هدایت عمومی شیعیان و رهنمون ایشان به امام غایب بسیار مؤثر بودند (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۵۱: ۳۰۰). این نکته قابل ذکر است که گستردگی شبکه وکالت به میزان پراکندگی شیعیان در جغرافیای اسلام بازمی‌گشت؛ به طوری که از مدینه به عنوان محل استقرار امامان شروع (طوسی، ۱۴۱۲: ۲۱۰)؛ تا مکه (جاسم حسین، ۱۳۶۷: ۱۵۱)؛ یمن و بحرین (کلینی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۵۱۹)؛ عراق (جباری، ۱۳۸۲، ج ۱: ۷۹)؛ کوفه (نجاشی، بی‌تا: ۷۴)؛ بغداد (مسعودی، ۱۹۵۵: ۲۱۳ و ۲۱۵)؛ سامرا (طوسی، ۱۴۱۲: ۲۱۴)؛ واسط (مسعودی، ۱۹۵۵: ۲۱۵)؛ بصره (جاسم حسین، ۱۳۶۷:

۱۳۶ و ۱۳۷)؛ مصر (کلینی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۴۹۴) و قم (اشعری، ۱۳۱۳: ۲۱۱) و دیگر شهرها امتداد یافته بود. همین امر ضرورت وجود چنین نهادی را می‌رساند. سرانجام شبکه وکالت با توفیق آخر امام دوازدهم علیه السلام به وکیل چهارم به پایان رسید (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۸۴). در هر صورت، آن نهاد به طور گسترده و فراوان از تقیه برای پیشبرد اهداف خویش سود جست؛ به طوری که عملکرد شبکه وکالت از پوشش تقیه متأثر بوده است.

با پیدایش غیبت صغرا منابع، چهار نفر را به عنوان وکیلان اصلی معرفی می‌کردند که چنین تقسیم‌بندی‌ای، به طور عمده در منابع متقدم دیده می‌شود و منابع کهن به چنین ترکیبی به صورت ضمنی، نه مستقیم اشاره داشته‌اند. برای نمونه تنها منبعی که امروزه از میان رفته و گویا از چهار وکیل اصلی سخن به میان آورده است، می‌توان به «اخبار الکلاء الاربعه»، اثر احمد بن نوح بصری اشاره کرد که عمده خبری‌های آن نیز توسط شیخ طوسی در کتاب غیبت عنوان شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۴۵). گرچه برخی از منابع متقدم بر شیخ طوسی به وکلای اربعه اشاره خاص داشته‌اند؛ این دسته از اندیشمندان، این گونه از وکلا را در زمره وکیلان خاص دانسته‌اند. برای نمونه، صدوق به عنوان یک منبع بالادستی و دارای تقدم زمانی بر طوسی، گزینش وکلای اصلی را توسط خود امام می‌داند و بر وکالت ایشان تأکید دارد (صدوق ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۳۲).

کشی نیز با انتساب این دسته از وکیلان به امام، از آنان به کسانی تعبیر می‌کند که امر وکالت دائر مدار ایشان بوده است (کشی، ۱۳۴۸، ج ۲: ۸۱۳). همچنین ابوسهل نوبختی (۳۱۱ ه.ق)<sup>۱</sup> که گویا وی از جمله دستیاران وکیل دوم بوده (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۳) و گفته شده به اندازه‌ای در دستگاه وکالت رفعت مقام داشته که دیگران او را نامزد مقام نیابت می‌دانستند (همان: ۳۹۱)؛ به رغم این توصیفات وی به مقام وکلای خاص اشاره غیرمستقیم دارد؛

۱. ابوسهل، اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی‌سهل نوبختی، از بزرگان شیعه امامی و از متکلمین ایشان محسوب می‌شود. نجاشی او را شیخ المتکلمین و دارای جلالت عظیم در دین و دنیا می‌داند (نجاشی، بی تا: ۳۱). ابوسهل در دوران نیابت حسین بن روح نوبختی در هدایت شیعیان و برخورد با غالیان و مدعیان دروغین نیابت امام عصر علیه السلام نقش عمده‌ای برعهده داشت.



به طوری که از نقل او تمایز و کیل خاص از دیگران فهمیده می‌شود، یکی از اشخاص موتقی که در خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بوده، ذکر کرده است که وی بین او و فرزند حسن بن علی علیه السلام بوده و او نامه‌ها، اوامر و نواهی آن حضرت را با دست خود به شیعیان می‌رسانیده است. زمانی که او از دنیا رفت، و آن حضرت، به شخص مستور دیگری به عنوان وکیل وصیت فرموده و برای او (شخصی که از دنیا رفته بود) جانشین معین کرده است<sup>۱</sup> ( صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۹۰) در این نقل، وی به طور ضمنی چنین تأکید دارد که آن وکیل سبب اتصال دیگران با امام عصر علیه السلام می‌باشد. در نتیجه می‌توان تمایز وکلای اصلی با غیر ایشان را در سه امر دانست:

۱. انتخاب و تعیین این دسته از وکلا به دستور امام صورت می‌پذیرفته است، به طوری که وقتی واسطه میان امام و مردم از دنیا می‌رود؛ حضرت به شخص مستور دیگری وصیت فرموده و برای او جانشین معین نموده است.<sup>۲</sup>

۲. توقیعات به دست ایشان صادر می‌گشته است ( طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۶).

۳. وکیل اصلی بعدی توسط ایشان معرفی شده، گرچه به دستور امام صورت می‌پذیرفته است. همچنین اتمام غیبت صغرا و ورود شیعه به دوران غیبت کبرا با اتمام وکالت وکیل چهارم صورت پذیرفت. این افراد عبارت بودند از: عثمان بن سعید (۲۶۷ ه.ق)، محمد بن عثمان (۳۰۵ ه.ق)، حسین بن روح نوبختی (۳۲۶ ه.ق) و علی بن محمد السمری (۳۲۹ ه.ق) پذیرفت.<sup>۳</sup>

۱. و قد ذکر بعض الشیعه ممن کان فی خدمة الحسن بن علی و أخذ ثقاته ان السبب بینة و بین ابن الحسن بن علی متصل و کان یخرج من کتبه وامره ونهیه علی یده الی شیعته الی أن توفی و اوصی الی رجل من الشیعه مستور فقام مقامه فی هذا الامر.

۲. درباره وکیل اول و دوم منابع زیادی بر تعیین ایشان توسط امام یازدهم و دوازدهم علیه السلام گواه داده‌اند (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۶ و ۳۹۳؛ کشی، ۱۳۴۸، ج ۲: ۸۱۳ و حلی، ۱۴۱۱: ۲۷۳). همچنین درباره حسین بن روح نیز نقل شده که انتخاب وی توسط وکیل دوم؛ اما به دستور امام عصر علیه السلام صورت پذیرفته بود (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۶۸) و برای انتخاب وکیل چهارم (همان: ۳۹۳).

۳. طوسی در نقلی جامع چنین آورده است: «فَلَمَّا مَاتَ عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدٍ أَوْصَى إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ أَوْصَى أَبُو جَعْفَرٍ إِلَى أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَوْصَى أَبُو الْقَاسِمِ

در این میان وکلای چهارگانه از عنصر تقیه بیش‌ترین استفاده را داشته‌اند، که به نظر می‌رسد به جهت ریاست پذیرفته شده این افراد در نهاد وکالت بوده است. در هر صورت، این دسته از وکلا با استفاده فراوان از تقیه در هدفمند کردن مسیر نهاد وکالت سعی کردند. برای نمونه به برخی از موارد استفاده از تقیه اشاره خواهد شد:

**نقل مکان نایبان خاص از سامرا به بغداد:** عثمان بن سعید با آغاز دوران غیبت برای ماندن در شهر سامرا دلیلی نمی‌بیند و از آن‌جا به بغداد منتقل می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۲۳). این امر از سوی وکلای دیگر نیز صورت گرفت. باید توجه داشت سال‌های آغازین غیبت صغرا مرکز حکومت عباسی در سامرا بوده؛ بنابراین، بهتر بود که وکلا از مرکز فاصله داشته باشند تا بتوانند راحت‌تر به فعالیت‌های خود ادامه دهند و از این زمان بسیاری از دیدارها در بغداد با وکلا صورت می‌پذیرفت و بخش قابل توجهی از شیعیان در آن‌جا به وکلا رجوع می‌کردند (صدوق، ۱۴۲۶: ۴۹۸).

**انتخاب وکلا از غیر علویان:** بازخوانی منابع کهن ما را به این نتیجه می‌رساند که هیچ یک از وکلای دوره غیبت صغرا از علویان شمرده نمی‌شدند. به نظر می‌رسد این امر بدان دلیل بوده که علویان همواره مورد توجه عباسیان بوده؛ بنابراین، سعی شده از علویان در این باره استفاده نشود.

**عدم اشتهار علمی وکلا:** عدم شهرت علمی وکلای اصلی، به خصوص وکیل اول و دوم، عمدتاً به همین منظور بوده است؛ چنان‌که پیشه آن دو وکیل را روغن فروشی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۱۵)؛ گرچه در مورد وکیل دوم گزارش شده که وی کتاب‌هایی در فقه به رشته تحریر در آورده و همه آن‌ها را از امام عسکری علیه السلام و امام دوازدهم علیه السلام شنیده است (همان: ۶). در مورد وکیل سوم نیز گزارش شده با این‌که دارای شخصیت علمی بوده؛ اندیشمندان دیگری از ایشان برتر بوده‌اند؛ به طوری که درباره ابوسهل چنین احتمالی داده

....»

إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَلَمَّا حَضَرَتِ السَّمَرِيُّ الْوَفَاةُ سُئِلَ أَنْ يُوصِيَ فَقَالَ  
لِلَّهِ أَمْرٌ هُوَ بِالْعَهْدِ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۹۳).

می‌شود (همان: ۶۷۸) و از وکیل چهارم خبر خاصی نیست.

پنهان نگه داشتن نام و مکان امام دوازدهم علیه السلام: همچنین از وظایف و کلا این بوده است که نام و محل زندگی امام را نه تنها از دشمنان، بلکه از شیعیان هم مخفی نگه دارند. در عین حال، بر وکیل لازم بود که وجود امام را برای هواداران مورد اعتماد حضرتش اثبات کند (همان: ۱۴۰)؛ به طوری که وکیل اول فرزند دار بودن امام عسکری علیه السلام را آشکارا تبلیغ نکرد. شاید بدین جهت بوده که این امر همچنان برای خلافت عباسی مبهم و حتی مورد تردید قرار داشت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۰) و چه بسا به دلیل همین ضرورت بوده که بردن نام خاص حضرت در آن دوره حرام اعلام گردید (کشی، ۱۳۴۸، ج ۲: ۵۳۳).

رفتارهای شخصی وکلا: بررسی رفتار وکلای چهارگانه در دوره غیبت صغرا گویای آن است که این افراد به طور گسترده از تقیه استفاده می‌کردند. برای نمونه عثمان بن سعید نامه‌ها را در ظروف و خیک‌های روغن کرده و به امام می‌رساند (همان: ۶۱۵) و محمد بن عثمان با استفاده از نام مستعار به عملکرد امامیه کمک می‌کرده است؛ به طوری که کشی وی را وکیل ابی محمد، امام عسکری علیه السلام دانسته و در ادامه افزوده که محمد بن حفص بن محمد، معروف به ابن عمری وکیل ناحیه بوده است (همان: ۵۳۳). همچنین با توجه به برخی از نقل‌ها، وکیل دوم بعد از قرائت توقیعات برای شیعیان آن را از بین می‌برد (صدوق، ۱۴۲۶: ۴۹۸). چه بسا به همین دلیل بوده که وکلای چهارگانه پس از گرفتن وجوهات، هیچ‌گونه رسیدی مبنی بر اخذ وجوهات نمی‌دادند (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۴۳). همچنین گرایش‌های حسین بن روح در پنهان کاری باورهای اولیه تشیع بر اساس تقیه صورت می‌پذیرفته است؛ به طوری که شیخ طوسی با نقل سه روایت، شدت عمل وی را به تقیه تبیین کرده است (همان: ۶۶۸-۶۷۱).

در نتیجه نشانه‌های فراوانی از تقیه را می‌توان در عملکرد وکلا مشاهده کرد، که همگی این موارد، گویای فضای تقیه در دوره غیبت صغرا بوده است. همچنین پی‌جویی تقیه را می‌توان در منابع امامی مشاهده کرد.

در این دوره، امامیه کتاب‌هایی در موضوعات مختلفی نگاشت که می‌توان به این موارد اشاره کرد: بصائر الدرجات، ابوجعفر محمد بن الحسن بن فروخ الصفار قمی (۲۹۰هـ. ق)؛

فرق الشیعه، حسن بن موسی نوبختی (۳۱۰ ه.ق)؛ المقالات و الفرق، سعدبن عبدالله اشعری (۳۰۱ ه.ق)؛ التنبیه فی الامامه، ابوسهل نوبختی (۳۱۱ ه.ق)؛ اصول کافی، کلینی (م ۳۲۹ ه.ق)؛ الامامة و التبصرة من الحيرة، ابن بابویه (۳۲۹ ه.ق)؛ الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار، محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ ه.ق).<sup>۱</sup>

البته تقیه را نمی‌توان به راحتی در همه این آثار ایشان پی‌جویی کرد؛ چراکه انگیزه تألیف بخشی از این نوشته‌ها را می‌توان از شرایط تمدنی جدید متأثر دانست.

تنها نشانه تقیه در این دسته از آثار عدم حضور پررنگ وکلا می‌باشد. با توجه به این‌که برخی از نویسندگان این آثار در زمره وکلا قرار داشتند؛ به شبکه وکالت اشاره چندانی نداشته که این امر می‌توانسته به سبب شرایط خاص آن دوره باشد. برای نمونه ابن بابویه، از جمله راویان وکلای چهارگانه برای پسرش، شیخ صدوق بوده (جاسم حسین، ۱۳۶۷: ۲۶) و منابع به ارتباط وی با وکلا خبر داده اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۸۷)؛ در عین حال گزارشی از وکلا و شبکه وکالت در اثر وی دیده نمی‌شود.

در این میان، تنها کلینی به طور گسترده از تقیه در کتاب خویش سود جسته است. برای نمونه وی از وکلای چهارگانه، تنها از وکیل اول و دوم روایات بسیار اندکی را طرح کرده است (همان: ۳۷۰). در عین حال، از وکیل سوم (حسین بن روح نوبختی) و وکیل چهارم (علی بن محمد سمری) هیچ‌گونه بحثی به میان نیآورده؛ ولی به شرایط سخت دوره غیبت صغرا اشاره داشته است (همان: ۵۹۹). کلینی از ذکر نام امام عصر علیه السلام اجتناب ورزیده و در ضمن روایتی به حرمت آن باور داشته است (کلینی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۳۷). به همین جهت سعی داشته تنها از القاب آن حضرت سود برد؛ به طوری که در کافی از حدود نه واژه برای امام عصر علیه السلام نام برده شده که می‌توان به این موارد اشاره داشت: صاحب دار (همان: ۳۸۷)؛ الحجة من آل محمد علیهم السلام (همان: ۳۶۷)؛ صاحب (همان: ۵۸۷)؛ م ح م د (همان: ۳۶۸)؛ غلام (همان: ۳۷۸)؛ ناحیه (همان: ۵۹۱)؛ رجل (همان)؛ قیل (همان: ۵۹۳) و غریم (همان: ۵۹۶). در

۱. درباره تأثیر تقیه بر منابع امامی ر.ک: بررسی سیر تحول غیبت پژوهی امامیه از نوبختی تا شیخ طوسی، احمدی کچایی و صفری فروشانی.

چنین شرایطی که وی از ذکر نام امام به دلیل حفظ جان آن حضرت اجتناب می‌ورزد، ذکر نام افرادی که با امام عصر علیه السلام مرتبط هستند، خطر دیگری برای آن حضرت خواهد داشت. به همین دلیل، در موارد بسیار اندک به ایشان توجه می‌کند. در این بخش نیز کلینی عمدتاً اسامی و کلایی را متذکر می‌شود که در زمان تألیف یا انتشار کافی در قید حیات نبودند (ر.ک: فروشانی و احمدی کچایی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

منابع کلامی نیز به تقیه بی توجه نبوده اند و برخی از انگاره‌های کلامی با توجه به شرایط پدید آمده تغییراتی داشته است. غیبت امام از آن جهت که دسترسی امامیه به امام را محدود کرد، هدایت جامعه امامیه را به گونه‌ای غیر مستقیم بر دوش عالمان امامی نهاد. عدم دسترسی به امام، سال‌ها پیش از آغاز غیبت صغرا با حصر و بازداشت امامان معصوم علیهم السلام به نوعی آغاز شده بود؛ اما غیبت صغرا و مهم‌تر از آن، غیبت کبرا آغازی رسمی بر فرایند ارجاع امامیه به عالمان دین است. از جمله پیامدهای غیبت امام معصوم علیه السلام در تاریخ کلام امامیه، توجه جدی متکلمان امامی به حجیت اجماع و به مرور رویگردانی از حجیت اخبار آحاد در ساحت اندیشه‌ورزی است؛ زیرا نبود امام، بخشی از منابع معرفتی امامیه را محدود می‌کرد؛ لاجرم امامیه با استفاده از منابعی مانند اجماع و تاکید بر منابعی مانند عقل در جایگزین کردن این امر تلاش داشت.<sup>۱</sup>

از سویی با شروع غیبت امام معصوم علیه السلام، مسئله غیبت، محور تهاجم متکلمان دیگر فرقه‌ها به امامیه گردید؛ به گونه‌ای که متکلمان امامی مذهب، پاسخ به شبهات مرتبط با غیبت امام را در اولویت قرار دادند. نوبختیان، به‌خصوص با تألیف آثاری در پاسخ به شبهات مخالفین پرداختند (جاسم حسین، ۱۳۶۷: ۲۳-۲۸). امامیه که هویت خود را در دفاع از مسئله امامت می‌دید، برای محدود کردن جبهه تقابل با معتزله، از بسیاری از اختلافات خود در حوزه‌های دیگر کوتاه آمد. نمونه این مسائل را در اراده الهی، علم الهی، معرفت، بداء،

۱. ر.ک: سید علی حسینی‌زاده خضرآباد، مقایسه اندیشه‌های کلامی نوبختیان و شیخ مفید در بستر میراث کلامی امامیه و معتزله.

استطاعت و غیر آن می‌توان ردیابی کرد.<sup>۱</sup> نتیجه این رفتار نوعی تقلیل‌گرایی در برخی معارف عمیق و توجیه و ساده‌سازی این معارف فرا عقلی در مدرسه کلامی بغداد شد. از همین رو، جامعه کلامی اهل سنت که این تغییرات را غیر واقعی می‌دانست، همچنان در مجادله با امامیه بر آموزه‌های کلام کوفی به عنوان اندیشه حقیقی امامیه تاکید می‌کرد. البته بعدها برخی از معتزلیان بین امامیه نخستین و امامیه بغداد تفکیک قائل شدند و اندیشه متاخران امامیه را تغییر یافته و با خود هم‌نوا دانستند.<sup>۲</sup>

همچنین غیبت، طرح مسائلی مانند بحث در مورد چگونگی استفاده از امام غایب، طول عمر امام، نیابت خاصه و دلیل غیبت را در پی داشت که در میان امامیه نوپیدا بود. تبیین این مباحث و دفاع از آن در مقابل مخالفان امامیه راهی جز روش‌های کلامی مورد استفاده و پذیرش مخالفان نداشت. مهم‌ترین و کارآمدترین این ابزارها در آن عصر، استفاده از روش عقل‌گرایی معتزلی بود. این ناگزیری چنان بود که حتی محدث متکلمی مانند شیخ صدوق در مباحث غیبت، از خروج از ادله روایی و گرت‌برداری از ادله متکلمانی مانند ابوسهل نوبختی و ابن‌قبة ابایی نداشت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۵۱). بنابراین، می‌توان ادعا کرد غیبت امام معصوم علیه السلام یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری دستگاه جدید کلام است.

### نتیجه‌گیری

بررسی فضای دوره غیبت صغرا ما را به این نتیجه می‌رساند که امامیه با شرایط جدیدی مواجه بوده که تا پیش از آن، با این شرایط مواجه نبوده است. بنابراین، سعی کرد با ورود به عرصه‌های گوناگون علمی و کارکردگرا حوادث جدید را پشت سر نهد. گرچه نمی‌توان عواملی همچون بالندگی تمدن اسلامی را بر روی آوری عالمان امامی به نوشته‌ها بی‌تأثیر دانست؛ به طور عمده شرایط سنگین سیاسی پدید آمده، سبب گشت امامیه از تقیه استفاده گسترده ای

۱. ر.ک: سید علی حسینی زاده خضرآباد، کلام امامیه پس از دوران حضور؛ نخستین واگرایی‌ها.  
۲. قاضی عبدالجبار، المغنی فی ابواب التوحید والعدل، ج ۲۰: ۳۷-۳۹؛ و همان، فصل الاعتزال: ۳۰۸-۳۰۹.

برده؛ به طوری که نشانه‌های آن را می‌توان در آن دوره پی جویی کرد. این امر سبب شد نشانه‌های آن را در قالب تقیه در همه بخش‌های امامیه به نظاره نشست. این‌ها را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

شبکه وکالت با ضرورت‌های پیش آمده به پنهان کاری زیادی دست زد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از: اعلام حرمت نام و مکان امام، تغییر مکان استوانه‌های وکالت از سامرا به بغداد برای دور از دسترس بودن از مرکز خلافت عباسی، انتخاب شغل‌های غیر رسمی، عدم مشارکت علمی چشمگیر، استفاده از نام‌های مستعار و پنهان کاری باورهای اولیه. در عرصه مکتوبات امامی نشانه‌های تقیه را می‌توان در کافی جست‌وجو کرد. مولف کتاب با عدم طرح چشمگیر وکلا و حرام دانستن نام امام بر پوشش تقیه اصرار داشت. در کلام، نشانه‌های تقیه و شرایط پدید آمده نسبت به منابع حدیثی دارای آثار بیش‌تری بوده که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

لزوم مواجهه امامیه با دیگر فرقه‌ها و پاسخگویی به این دست از نیازهای نو ظهور سبب گرایش اندیشمندان امامی به علم کلام شد. همچنین با غیبت امام، حضور امامیه (به‌خصوص متکلمان نوبختی) در حوزه‌های سیاسی که به نوعی از سوی ائمه در دوران حضور با محدودیت مواجه بود، گسترش یافت. همچنین امامیه برای تبیین برخی از مباحث به استفاده از روش کلامی غالب در میان مسلمانان که همان شیوه اعتزالی است؛ ناچار گردید. این مسئله در مورد مؤلفه‌هایی مانند بدا و رجعت قابل پی‌گیری است. غیبت امام بخشی از منابع معرفتی امامیه را محدود کرد؛ لاجرم امامیه با استفاده از منابعی مانند اجماع و تاکید بر منابعی مانند عقل در جایگزین کردن این امر سعی داشت و این امر حتی در کتاب‌های فقهی متکلمان امامی نمود یافت و حتی در منابع روایی قابل ردگیری است. بر خلاف آثاری مانند بصائر که مسائل فرا عقلانی در آن نمود بسیار دارد، آثاری مانند کافی که روایات بیش‌تر عقلانی را مورد نظر دارد تالیف گردید و محدثینی مانند صدوق به ناچار در صدد گزینش روایات، مانند التوحید برآمدند.

## منابع

۱. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق). *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
۲. اشعری، حسن بن محمد (۱۳۱۳ق). *تاریخ قم*، مترجم عبدالملک قمی، مصحح: سید جلال الدین تهرانی، تهران، انتشارات مجلس.
۳. جباری، محمدرضا (۱۳۸۲). *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴. جعفریان، رسول (۱۳۸۷). *حیات فکری سیاسی امامان شیعه*، قم، انصاریان.
۵. حسین، جاسم (۱۳۶۷). *تاریخ سیاسی امام دوازدهم*، مترجم: محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر.
۶. حلّی، علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). *رجال العلامة الحلّی*، نجف اشرف، دارالذخائر.
۷. حلّی، حسن بن علی بن داود (۱۳۴۲). *الرجال*، تهران، دانشگاه تهران.
۸. صفری فروشانی نعمت‌الله؛ احمدی کجایی مجید (۱۳۹۱). *چگونگی طرح وکلاء در منابع امامی دوره غیبت صغری*، قم، مشرق موعود شماره ۲۴.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *بررسی سیر تحول غیبت پژوهی امامیه از نوبختی تا شیخ طوسی*، قم، انتظار موعود، شماره ۴۱.
۱۰. راوندی، ابوالحسن سعید بن هبة‌الله (۱۴۰۹ق). *الخرائج و الجرائح*، تحقیق مؤسسه الامام المهدي، قم، مؤسسه المهدي عليه السلام.
۱۱. طبری، محمدبن جریر طبری (۱۳۵۸ق). *تاریخ طبری*، قاهره، مطبعة الاستقامة.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق). *کتاب الغیبه*، ابو جعفر محمد بن حسن، بیروت، دارالکتب الاسلامی.
۱۳. کشی: ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی (۱۳۴۸). *اختیار معرفة الرجال*، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، بی‌نا.
۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۸ق). *اصول کافی*، تهران، دارالاسوة للطباعة والنشر.
۱۶. مفید، محمد بن نعمان (۱۳۸۹). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، مترجم: امیر خان بلوکی، قم، انتشارات تهذیب.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۶ق). *بحار الانوار*، تهران، بی‌نا.
۱۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۹۵۵م). *اثبات الوصیه*، قم، بصیرتی.
۱۹. نجاشی، احمدبن علی (بی‌تا). *رجال النجاشی*. (فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ابوالعباس احمدبن علی اسدی، قم، مکتبه‌الداوری).
۲۰. نیومن، آندرو جی (۱۳۸۶). *دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی*، گفتمان حدیثی میان قم و بغداد، مترجم: مؤسسه شیعه شناسی، قم، مؤسسه شیعه شناسی.